

بحران مشروعیت رژیم

بحران مشروعیت رژیم بر آینه شکاف عمیقی است
که میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان به وجود آمده است.

کاظم علمداری

قسمت دوم

الف: ریشه بحران مشروعیت

همانگونه که در بخش نخست این مقاله گفته شد، بحران مشروعیت رژیم برآینه شکاف عمیقی است که میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان به وجود آمده است. در حالی که حکومت شوندگان حاکمان را نمی‌پذیرند، چرا که آن‌ها با کنترل اقتصاد و دستگاه‌های تبلیغات و سرکوب خود را بر جامعه تحمیل کرده‌اند. رفسنجانی وجود بحران را پذیرفت، بی‌آنکه به سرشت آن اشاره کند، و خاتمی بازسازی مشروعیت نظام را از طریق همه‌پرسی پیشنهاد کرد. واقعیت بحران مشروعیت و شکاف عمیق میان حکومت و جامعه را جناح خامنه‌ای هم نمی‌تواند نادیده بگیرد؛ وگرنه با تجدید انتخابات و یا همه‌پرسی پیشنهادی خاتمی، به جای سرکوب خونین مردم، موافقت می‌کرد و به شک و شبهه‌ها پایان می‌داد و از یک آزمون بزرگ تاریخی نیز پیروز بیرون می‌آمد و به جهانیان نیز ثابت می‌کرد رژیم کنونی خواست اکثریت مردم ایران است. اما تن ندادن به نظارت بین‌المللی بر انتخابات، تجدید انتخابات و یا همه‌پرسی، دو واقعیت

را نشان می‌دهد: نخست همه‌پرسی به این رژیم رأی نخواهند داد. دوم، تقلب در انتخابات امری قطعی است؛ وگرنه با یک محاسبه ساده می‌توان گفت که: تجدید انتخابات یا همه‌پرسی کم‌هزینه‌ترین و سودآورترین راه برای رژیم جمهوری اسلامی بود که هم مخالفان داخلی را ساکت می‌کرد و هم تبلیغات دولت‌ها و رسانه‌های خارجی مبنی بر غیردمکراتیک بودن انتخابات در ایران را خنثی می‌نمود. بویژه آنکه مثلث قدرت اعلام کرده است که احمدی نژاد ۱۱ میلیون رأی بیشتر از موسوی کسب کرده است. پس چه باک این تفاوت در یک انتخابات دیگر بازهم تکرار شود و چشم همگان را خیره کند. تن ندادن به این خواست‌های مشروع و قانونی، و توسل به سرکوب خونین برای ادامه حکومت بسیار پرسش برانگیز است و می‌تواند ریزش‌های جدیدی را در بدنه اعتقادی حکومت به وجود آورد. خلاصه کلام اینکه نارضایتی عمومی در ایران به اوج خود رسیده است؛ و انسجام درونی رژیم بکلی بهم ریخته است. تشکیل کابینه ایدئولوژیک به ناکارآمدی رژیم و بحران مدیریت آن خواهد افزود. این عوامل به زیان رژیم در حال رشد است. احمدی نژاد می‌خواهد با

تهدید از یک سو و شعار از دیگر سو، بحران عمیق و چندبعدی رژیم را حل کند.

ب: مشروعیت مهندسی شده

در انتخابات پس از مجلس ششم، شورای نگهبان رد و یا تصویب صلاحیت نامزدهای انتخاباتی را طوری طراحی کرد که به دو هدف مشخص دست یابد. هدف اول، پر کردن بیش از ۲/۳ کرسی‌های مجلس از دست راستی‌های حامی ولایت مطلقه فقیه؛ هدف دوم، کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی برای مشروع جلوه دادن رژیم.

نشان دادن شرکت بیش از ۵۰ درصد واجدین شرایط در انتخابات نشانه مشروعیت رژیم قلمداد می‌شد. این امر از طریق مشارکت و سهمیه دادن به نامزدهای بی‌خطر اصلاح طلبان تا حد ۱۵ درصد و حدود ۱۰ درصد نامزدهای مستقل بی‌خطر، عملی می‌گردید. همین ترفند، انتخابات را رقابتی می‌کرد و مشارکت مردم را بویژه در شهرهای کوچکتر بالا می‌برد و آن‌ها به درصد مورد نظر خود می‌رسیدند.

این سیاست در کنار مکانیسم‌های دیگر کنترل جامعه، مانند وابسته کردن حدود ۶ میلیون نفر از فقیرترین جمعیت جامعه به صدقه‌های دولتی و «کمپته امداد امام»، در برابر دریافت آرای آن‌ها و شرکت آن‌ها

برابر دریافت آرای آن ها و شرکت آن ها در مراسم مذهبی- سیاسی رژیم، به اضافه ایجاد ترس مصنوعی و غیر مستقیم با شایعه ضرورت مہر خوردن شناسنامه برای ثبت نام فرزندان در مدارس و دانشگاه، عقد و ازدواج، مسافرت، وام گرفتن و جواز کسب و غیره برای ترسو ترین و محافظه کار ترین بخش‌های جامعه، و همچنین تقلب‌هایی ظریف در تمام مراحل انتخابات، درصد آرا را بالا نگه می داشت. جناح حاکم‌تایج دراز مدت این روش‌ها را در نظر نمی‌گرفت.

طرفداران «بر اندازی نرم» یا «وابسته بودن به آمریکا و اسرائیل» و سرکوب و زندان خاموش می‌کنند. از این پس رژیم نه در جهت رفع اختلاف درونی، بلکه تصفیه بیشتر پیش خواهد رفت. این روند، رژیم را ضعیف تر و بنیه و پتانسیل گسترده تر شدن جنبش اجتماعی را قویتر خواهد کرد.

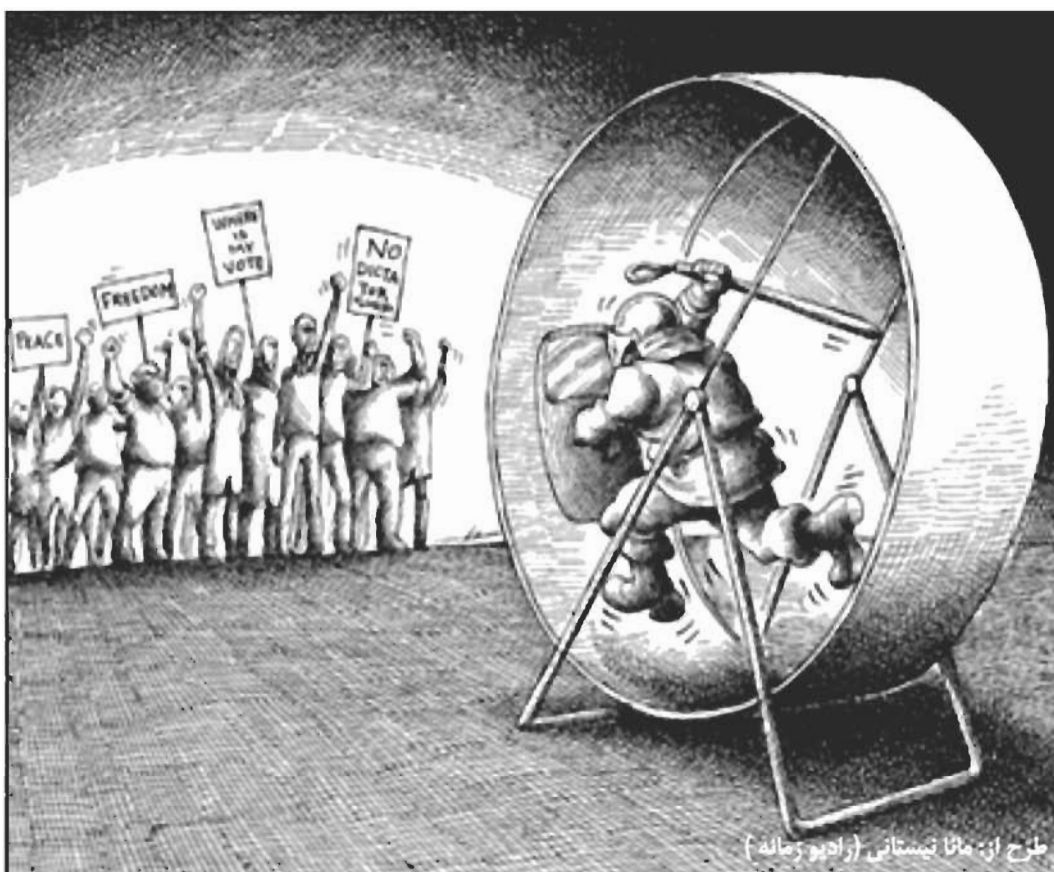
ضرورت ادامه مشروعیت مهندسی شده، حفظ کلیه ارگان‌های رژیم در دست مثلث قدرت خامنه ای، احمدی نژاد و سپاه بود. محاسبه آن ها اینگونه بود که با از دست

بلکه در پی آن خامنه‌ای و متحدانش را نیز با چالش جدی روبرو سازد. در چنین شرایطی تقلب در انتخابات با هر قیمت و وارد کردن نیروی نظامی به صحنه سیاست برای حفظ دولت در دست خود اجتناب نا پذیر بود.

ج: نقش مردم

اما اجرای این طرح نه تنها مشروعیتی برای رژیم ببار نیاورد، بلکه سرشت مشروعیت ساختگی و مهندسی شده را عریان ساخته و کارایی آن را نیز پایان داد. آن ها نقش

مردم را در بهم ریختن معادلات قدرت به حساب نمی‌آوردند. زیرا آنها تصور می‌کردند که با نمایش‌های نظامی و امنیتی در شهرها، مردم را ترسانده و برای همیشه از صحنه سیاست خارج کرده‌اند. تصور دیگر آن ها این بود که تا زمانی که اجازه ورود اصلاح طلبان را به دایره اصلی قدرت ندهند و آن ها را در حاشیه نگه دارند، همه چیز در کنترل آن ها خواهد ماند و مشکلی پیش نخواهد آمد. اما، تجدید نظر اساسی اصلاح طلبان در سیاست خود، و بویژه فوران جنبش



اصلاح طلبان هم به مشکل ساختاری نظام توجه نمی‌کردند. یک ارزیابی مستقل و ایژکتیو می‌توانست به رژیم بفهماند که این نوع مشروعیت سازی مصنوعی بنا نهادن خانه روی آب است. ولی آن ها حتی ارزیابی‌های مستقل را هم تحمل نمی‌کردند و نمی‌کنند و آن ها را با تهمت وابسته بودن به دشمن یا

دادن دولت، در شرایطی که رفسنجانی در رأس مجلس خبرگان طرح رهبری شورایی را به میان کشیده و اختلاف خود را با خامنه‌ای علنی کرده بود و بویژه در شرایطی که مردم فعالانه در سیاست مشارکت کرده بودند، می‌توانست نه تنها دستگاه اجرایی و مالی مثلث قدرت را از کنترل آن ها خارج کند،

وسیع توده‌ای، این تصورات و محاسبات را بهم زد و آینده جمهوری اسلامی را با پرسش بزرگی روبرو کرده است. برای اولین بار در تاریخ سی ساله جمهوری اسلامی، اصلاح طلبان دریافتند که متحدان واقعی و استراتژیک آن ها نه دیگر جناح‌های رژیم، بلکه مردمی هستند که غیرخودی نامیده

شده‌اند. حرکت اخیر، آغاز این همبستگی است که می‌بایست از ۲ خرداد ۱۳۷۶ شکل می‌گرفت.

این جنبش با ویژگی‌های یکتای خود، که گفتمان‌های اسلامی مانند رنگ سبز، شعار الله اکبر، یا حسین، میرحسین، نصر من الله و فتح القریب، و غیره را با ویژگی‌های مدرن و عرفی/ سکولار از جمله جدا نکردن صفوف زن و مرد و نقش فعال زنان در حرکات‌های عملی و ابتکارات در کاربرد تکنولوژی دیجیتال همراه کرده است، با شیوه‌های سنتی سرکوب و خاموش نخواهد شد. عنصر آگاهی و آگاهی‌رسانی جهانی و توزیع لحظه به لحظه آن، دستگاه تبلیغات انحصاری رژیم را تقریباً بی‌اثر کرده است. بخش بزرگی از مقابله‌های مؤثر با رژیم در عرصه تکنولوژی اطلاعاتی رخ داده است. مانند ضبط و ثبت صحنه‌های تیراندازی افراد بسیج به مردم، که نه توسط خبرنگاران، بلکه توسط شرکت‌کنندگان در تظاهرات خیابانی انجام گرفته است. صحنه اصابت گلوله به ندا آقاسلطان را صدها میلیون نفر در جهان بارها و بارها دیده‌اند و به ج‌ا نفرین فرستاده‌اند. رژیم با پدیده نوینی مواجه شده است. همین گزارش‌ها نه تنها نفرت عمومی را در جهان علیه جمهوری اسلامی بالا می‌برد و همکاری کشورهای دیگر را با آن دشوارتر می‌کند، بلکه در درون نظام نیز بسیاری مسأله‌دار خواهند شد.

یکی از اهداف انتخاب سه وزیر زن در کابینه توسط دولت زن ستیز احمدی‌نژاد، تلاش بیهوده‌ای است برای تغییر این چهره منفی. احمدی‌نژاد نمی‌تواند صحنه‌های کتک زدن زنان را در تظاهرات ۱۰۰ نفره زنان، یا توقیف و دستگیری هزاران زن را به بهانه بد حجابی در خیابان‌ها با این ژست بپوشاند. اینها عوامل بسیار مهمی هستند که نمی‌گذارند رژیم به وضعیت ساخت مصنوعی

مشروعیت گذشته برگردد. تاکنون آن‌ها براین باور بودند که جنگ و جدل‌شان با اصلاح‌طلبان خواهان سهیم شدن در قدرت است و نقش مردم را نمی‌دیدند. این بار پیوند و اعتراض و مقاومت همزمان مردم و اصلاح‌طلبان آغازگر راهی شده است که با بلوغ بیشتر جنبش سبز، مسیر و پایان راه را مشخص خواهد کرد. جنبش سبز در حال حاضر از دو کمبود رنج می‌برد. نخست، ضعف سازماندهی، و دوم ضعف رهبری. ادامه جنبش می‌تواند این دو ضعف را برطرف کند. در زیر اشاراتی به شیوه ممکن سازماندهی خواهد شد.

د: دست‌آوردهای جنبش سبز:

جنبش سبز یک جنبش اجتماعی و مدنی است، نه یک انقلاب، و یا دعوی خانوادگی درون نظام. ویژگی جنبش‌های اجتماعی و مدنی روندی و تداومی بودن و افت و خیر داشتن آن‌هاست. یعنی نه اوج‌گیری آن به معنای شکست حکومت است، و نه رکود آن به معنای خاموش شدن آن. وجه برجسته دیگر این جنبش، حضور توده‌ای مردم است؛ مردمی که می‌دانند چه می‌خواهند و چگونه باید بخواهند. حکومت گران تلاش کردند که نوع مبارزه قهری را بر مردم تحمیل کنند تا توجیه ساده‌ای برای سرکوب آن داشته باشند. ولی مردم با تظاهرات آرام و تکنولوژی اطلاعاتی به مقابله آن‌ها رفتند. انتشار عکس‌ها و فیلم‌های خیابانی صحنه‌های حملات خونین نیروی نظامی و شبه نظامی علیه مردم و تخریب اموال عمومی توسط نیروی انتظامی بسیار مؤثرتر از اسلحه و زندان و شکنجه‌ای است که سپاه و بسیج علیه مردم بکار برده‌اند. این خشونت بی‌رحمانه نیروهای نظامی اعتبار و آبروی رژیم را بر باد داد و دروغ‌های آن‌ها را بر ملا ساخت. تلافی به مثل و کشتن صد پاسدار و بسیجی ابدا نمی‌توانست اینگونه رژیم را

بی‌آبرو کند. جنبش سبز در مرحله‌ای است که جهانیان باید مظلومیت آن را ببینند و ستمگران را بهتر بشناسند.

جنبش سبز در هفته‌های پس از انتخابات اوج گرفت و امروز در روند نهادینه کردن و بلوغ خود است. پیشنهاد تشکیل «راه سبز امید» با خصلت شبکه‌ای آن توسط میرحسین موسوی نمودار مسیر نهادینه شدن جنبش اجتماعی و ادامه آن در ساختار جنبش مدنی است. شرکت همه اصلاح‌طلبان در این روند بسیار مهم و تعیین‌کننده است. حتی اگر تقلب و کودتایی رخ نداده بود و میرحسین موسوی رئیس‌جمهور می‌شد، این روند، یعنی سازماندهی جنبش مدنی برای پشتوانه اصلاحات ضروری بود. امری که در دوره ریاست جمهوری خاتمی از آن غفلت شد. این شبکه‌ها در شکل سازمان‌های کوچک و محلی یا صنفی مانند تشکلهای دانشجویی، زنان، کارگری، کارمندی، وکلا، روزنامه‌نگاران، پزشکان، پرستاران، دانش‌آموزان، معلمان، دانشگاهیان و صدها نوع دیگر از هسته‌های سبز می‌توانند بوجود آیند و از طریق اهداف مشترک شبکه‌ای بهم متصل شوند. همانگونه که یک فرد، عضو چندین ایمیل لیست است می‌تواند عضو چندین تشکل محلی، صنفی، و سیاسی و فرهنگی و عقیدتی نیز باشد. بطور مثال یک دانشجوی دختر می‌تواند عضو تشکلات دانشجویی، عضو سازمان زنان، عضو کمیته پاکیزه سازی محله خود و عضو مسجد یا کلوپ فرهنگی خود باشد. از این طریق شبکه در هم پیچیده‌ای بوجود می‌آید که اهداف، اخبار و نظریات از چند سو به چند سو و سپس به هزار سو منتقل می‌شود. این شبکه‌ها تمام ایران و خواست‌های مدنی و حقوقی مشترک مردم را بهم متصل و پشتیبانی می‌کند. «جنبش سبز امید» می‌تواند چتر حمایتی تمام تشکلهای مستقلی باشد

بقیه در صفحه ۷۱

بحران مشروعیت ...

نظری و اهداف سیاسی نمی‌خواهند در یک کل تحلیل بروند. مثلاً تشکیلات زنان، کارگران و یا گروه‌های سیاسی چپ، سازمان‌های حقوق بشری و غیره. مردم در هر نهاد کوچک و بزرگی که بوجود می‌آورند می‌توانند با آگاهی از خط مشی کلی و خواست مشترک جنبش سبز پیوند خود را با یکدیگر مستحکم کنند تا در زمان‌های مقتضی مانند تظاهرات خیابانی، نشست‌ها و شرکت در انتخابات به یاری هم بستانند. در یک جامعه دمکراتیک، وجود ده‌ها هزار تشکل مدنی گوناگون نقش محافظت از دمکراسی را به عهده دارند. در جامعه ایران نقش این تشکل‌ها می‌تواند به عنوان اهرم انتقال به دمکراسی در حال حاضر و حفظ دمکراسی در آینده باشد. برای ایجاد «کمیته‌های سبز امید» نباید منتظر اعلام رسمی تشکل «جنبش سبز امید» توسط موسوی شد. شکل‌گیری کمیته‌های سبز محلی و صنفی به شکل‌گیری جنبش سبز امید کمک خواهد کرد و تردیدها را کنار خواهد زد. خواست مشترک کنونی همچنان به رسمیت نشناختن دولت کنونی، و تجدید

انتخابات است، ولی شیوه‌های دست‌یابی به این خواست باید انعطاف‌پذیر باشند. روزی مقابله با تقلب در انتخابات، روز دیگر تظاهرات خیابانی و همبستگی، روزی نشست‌ها و روزی هم‌شرکت در مراسم و مناسک دینی است.

بنابراین دستاوردهای تا به کنونی این جنبش را نباید ناچیز شمرد. پس از سال‌ها سکوت و ناامیدی و یکه‌تازی رژیم، جنبش سبز نخست، فضای جدیدی بوجود آورد که حاصل آن همبستگی بیشتر و عمیق‌تر مردم با هم در برابر حکومتی است که تصور می‌کرد هر نوع تحرک، همبستگی و مقاومتی را برای همیشه از بین برده است. دوم، مردم نشان دادند که به مشروعیت ساختگی رژیم باور ندارند و صبوری‌شان دال بر پذیرش آن نبود. سوم، علیرغم سرکوب‌های خونین و تلاش برای کشاندن مردم به درگیری قهری، جنبش بسیار مدنی و با آرامش و قانونمداری به اعتراضات خود ادامه داده است. چهارم، مردم نشان دادند که ایجاد رعب و وحشت و کاربرد تکنیک‌های ترس و دلهره نمی‌تواند مردم را وا دارد که از حقوق خود صرف‌نظر کنند. پنجم، مقاومت مدنی مردم، مطلق بودن قدرت رژیم و فرض تسلیم بودن مردم در برابر آن را شکست. ششم، تجربه همین دوره کوتاه نشان داد که ماشین نظامی دیکتاتوری

در برابر اراده مردم شکننده است. درست مانند دولت سوسیالیستی شوروی سابق و متحدانش که علیرغم ظاهر قدرتمندش با رشد اعتراضات آرام مردم و با کمترین هزینه از درون پاشید. اقدامات سپاه و دستگاه امنیتی برای ایجاد رعب و وحشت از طریق اعدام‌های علنی، شلاق زدن در ملاعام، آزار و اذیت و کتک زدن و دستگیری زنان به بهانه بدحجابی و یا یورش بردن به خانه‌ها برای تخریب ماهواره‌ها قادر نبوده است که اراده مردم را از بین ببرد. به کار بردن آخرین تکنیک‌های سرکوب، تیراندازی به تظاهرات آرام مردم، دستگیری، شکنجه و اعتراف‌گیری، دادگاه‌های نمایشی، و حتی تجاوز و آزارهای جنسی تنها رسوایی بیشتر برای رژیم در سطح جهان، و شکاف‌های بیشتری در درون نظام بوجود می‌آورد. آنچه از بطن همه این اقدامات بیرون آمد، از دست رفتن بیشتر اعتبار رژیم بود بویژه سپاه پاسداران که خود را به گناه ریختن خون مردم آلوده کرد. بحران مشروعیت را نمی‌توان با سرکوب بیشتر جبران کرد. برعکس، ادامه این وضع حکومت ج را به یک رژیم پلیسی بی‌اعتبار بدل می‌کند که سرانجامش سقوط خشونت‌بار و به تاریخ سپردن نقش روحانیت در سیاست خواهد بود.

PROFESSIONAL
SATELLITE INSTALLER



برای خرید و نصب دیش های ۲۴ ساعته ایرانی

درایالت تگزاس

(هوستون ، آستین ، سن آنتونیو)

با ضمانت یکساله و کیفیت عالی



با تلفن Cel: 281-507-0662 "سهراب" تماس بگیرید

275/sohrab

ABC Better Life



\$39⁹⁹ + tax

Call Olga Flores

شیلنگ شیردار

به آسانی می‌توانید نصب کنید

832-878-4984

www.handyspray.com

288